

موسوم بد به سبب رخ که در روی تپه واقع و خانهای دهقانی او را دو مرتبه در مرتبه  
 بروی یکدیگر ساخته اند بخوبی که از دور کمال شکوه و نمایندگی دارد و در دامنه آن  
 قریه چمن و بیستان و صخره آبی در نهایت با صفا و روح است این قریه  
 نیز متعلق بدربان باشی است

قریه شریف آباد از دوات آباد معتبر است و او را قلعه کاروانسرای سر <sup>شاه</sup>  
 که اسحق خان قرانی ساخته و قریه را وقف تعمیر کاروانسرا نموده است شریف <sup>آباد</sup>  
 باغات متعدده و یک قنات است که زیاده از یک سکناتب دارد  
**پایتخت** نیز در هم شهر **شرف فرمانی** موکب منظر **طریق**  
 درین روز بنگام صبح چون نسو غاوری با استقبال موکب منصور <sup>شاه</sup>  
 روی زمین را از اسفند نوز جمال نویس بسیار است شاهنشاه ایران پناهنده <sup>شاه</sup>  
 سلطنت به بیرون توجه نموده و بر اسب عربی تیمور میرزائی طلوع <sup>شاه</sup> بدل فرمود  
 با مخصوصان در گاه و ملزمین رکاب بهمان پناه از بر مقوله فرمایشات <sup>شاه</sup> موکب  
 و صحبت شاهنشاه در میان آورده تخصیص امین الدوله و اعضا الدوله <sup>شاه</sup> و <sup>ملک</sup>  
 و امین الملک قرین افشار فرمودند و از آنجا که راه امروز با وجود تعمیر <sup>شاه</sup> نمود

بسم الله

سپهسالار را بی سخت و پرنسک و با پست و بلند می بسیار بود و عبور  
 کالسکه و سخت اشکال داشت خواجه سرا یا نزا امر و مقرر شد که خادمان  
 حرم جلالت را سواره عبور دهند و کالسکه و تختها را با توپخانه بیمار که از راه  
 زیر دست شریف آباد که قری می طولانی ولی مسطح تر است حمل نمایند و دست  
 و الاصفیات پهایونی خود نیز از کالسکه با سب جوع فرموده و از راه شریف  
 آباد شریف فرما شدند و فرسنگ گذشتند رباط خرابه موسوم بر رباط  
 کلمبه در کنار راه نمایان گشت که در حوالی آن دوسه نخل جاری و چمنی سبز و تنگ  
 بود چون این مکان قابل تعمیر نظر آمد از جانب سنی بجوانب امر تجارت و  
 تجدید آبادی با طفر بوشرف صدور یافت اندکی فاصله از این چمن زیاده  
 چادرهای نهارگاه حرم واقع شده بود حضرت شاهنشاهی از اینجا نیز شکار  
 فرموده در صحرا بجهت صرف نهار فرود آمدند و چون هوای بجمده سرد  
 و سخت داشت اندک زمانی مکث فرموده و براه عود فرمودند درین راه  
 بعضی از طلاب شیوخ و بهقان چنانکه رسم امالی خراسان است در هر چند  
 قدم فاصله این سمت و آن سمت جاده چوبی برپا کرده و ریسمانی بر آنها کشیده

کلام المدیحید را از وسط آن او کشفه بودند شایسته اسلامیان پناه همه جا  
 بانیست خالص و قصد صافی از زیر قرآن عبور نموده و متصدیان این امر را  
 خیرای خیرین عنایت فرمودند باینکه سیام رسیدیم و کتب منوره مبارک شایسته  
 کشور است و شیخ دو حد رسالت حضرت علی بن موسی الرضا علیه آلاف  
 التحية والثناء نمودار گشت و غلغله و جد و سرور در خاطر با افکند حضرت شویبا  
 و الا بتار را بخص انکه نظر کلبه مطهر افتاد فی الحقیقه حالت بیایونی در کربلا  
 بی احتیاج از اسب بزیر آمده و از دور آفر قد پر نور از ایت فرموده است که  
 بوصول این نعمت عظمی و حصول این سعادت کبری در حضرت کبریائی نیاید  
 در اینجا شایسته پسرده اعظم جلال الدوله حکم این مملکت خراسان و حاجی بهال  
 و حاجی شریف خان پیکر بیکی و حاجی میرزا محمد رضائی ستونی با سوار  
 شاهسون افشار و غیره که برسم استقبال و زیارت کتاب قریشال آید بود  
 بحضور مهر ظهور حضرت شایسته شرف بسته بر یک بفرانور حال خانه  
 شایسته پسرده بهال تباطفات و مرحوم خدیو بهمال منفخر و مستعد آمدند  
 و بهم ملک منصور میرزا که دور و قبل با سپهسالار اعظم شهر رفته بود زیارت

خاکین

خاکپای همایون مشرف گشته شاهنشاهزاده فخر و سایر همایان نخست آنجا  
یاوه بشهر نشاند تا پذیرائی موکب مسعود راه پیا و آماده شوند سه ساعت بفرود  
مانده نزول جلال بطرق شد و حضرت شاهنشاه از پنج راه و حرارت هم پیا  
و شب در کمال صحت و سلامت با سترحت مشغول شدند

از شریف آباد الی طرق چهار فرسنگ است طرق عبارت از شریف  
معظمی است که متعلق است بحضرت فیض آثار و در او دو باب کاروانسرا  
بزرگ است که یکی از آنها رو با نهادم گذشته و بوجوب امر همایون شاهنشاه  
مقرر است تا در محل آن رباط سه پوشیده بنا کنند آب طرق آب رود  
و از محال آرزو از جبال شمال مغربی می آید از شریف آباد بطرق در جوار  
راه خرقه رمضان خان که در سمت چپ است قریه و قصبه ملحوظ نمی باشد  
و شب چهاردهم شهر صفر و روز و روز شاهنشاه  
با عدل وجود بمقصد موعود و وصول بمقصد  
بعون الله الکریم الودود  
درین روز که بعون الله تعالی روزی فیروز بود شاهنشاه پدارتخت میخام

صبح بجام شریف برده سرو اندام مبارک را چون قلب شریف خویش  
 مصفی و از کدورت هر کرد و بخاری مصری ساخت و دو گانه و شکرانه حضرت  
 یکانه را بجای آورده و زخت تمام مرصع پوشیده بسز پرده دیوانه میباید  
 شریف فرما شد حاجی ملا نصر الله مجتهد که از ابناء علماء مشهور و شخصی با علم  
 و فضل و زهد و ورع است با جمعی از علماء و اعیان شهر محض مبارک شایسته  
 مشرف گشته و از جانب خویش و وضع و شریف مشی حضرت بهای نور  
 قیمت کف و دعای وجود مبارک بجای آورده معاودت نمودند و شایسته  
 با فرو جا به یک ساعت بطهر مانده بهمت شهر کوچ دادند یکی از علما مان شایسته  
 اینانلو ملکی عظیم السیّد کرده بخاک پای بهایون آورد و رشادت و سخا  
 او منظور نظر ماطفت اثر گشته از انعامی شایان بهره و در و منظر گردید  
 شاه شاه غالم پناه بکالک نشسته و از زمان حرکت موکب مسعود که از ارد  
 شلیکت بنورک شد تا و رود شهر علی الاتصال در خارج نیابان توپچیان  
 شلیکت توپ مشغول گشته و از طرق تا شهر که بکفر سنگت و سیم  
 مستقبلین از سواره و پیاده صفته ده بایستادند در ابتدا می بقبلین شاه

عظم جلال اقدس و جلال جلال ایشان بزیارت رکاب مبارک کامرانی  
گردیده و در مقابل عسکریه امام جمعیب مسالار اعظم باین سعادت مستعد  
و این قیام بمانده سواره و پیاده شهر یومی و غریب اعلی و ادنی  
مرد و زن دست در دست فوج فوج از آن سعادت بانصیب شده بطوریکه  
بذکر سعادت بزیارت آن زمان و دعای شش شبانه اسلامیان پناه بلند بود  
که تا کنون در هیچ زمان هیچ کوشی نشینده و هیچ دیده نپسین و جدوشو  
در مخلوق ندیده از ابتدای خیابان خارج شهر تا در ب دروازه مبارک  
مشرم رکاب از دو سمت ایستاده از دروازه تا در ب سخن معتمدس افواج  
ستو قفارض اقدس حاضر شده بودند در اول دروازه پانین خیابان جنتر  
اقدس شهر یاری با سب کزنک حسام سلطنه که زنت و یراق تمام الماس  
زده بودند سوار شده باشکوه و شوکت مالا کلام مبارکی و اقبال وارو  
شدند و کاکین و اطراف خیابانرا کسبه و اصناف بقدر میوزنت کرد  
و مردوزن شهری چنان دو سمت جنابانرا فوقانی و تحتانی فرا گرفته بود  
که عبور موکب منصور اشکال کلی داشت و نفاذ خانه حضرت فیض آثار

مشرقی خدمت مویک ز غمده افکنی رخ بر عین بود و رخسارین لبست جناب سیر  
ناخه و تمامه شمال و اعیان و خدام حضرت زینب علیها السلام بعد از آنکه  
ز راه رسیده پیش پادشاه را استقبال کرده و در کمال آسایش و آسودگی  
و ادب و وقار کوفی بجای آوردند پادشاه نیز در نهایت تقصیر و توقیر از  
فرز و آرد و غمده تی مبارک را بوسیده و با صاحبان دربار حضرت یگان  
یگان آنها را سبقت و هدیه باقی کرده و در صبح مبارک شدند و از آنجا که  
تشریف نوا در وقت طلوع و کبریت و ساسا علیه عدل و امامت که از لوازم  
و این بین است همواره منظور خاطر مبارک بجایون شاهنشاه مسکین است  
محض خلوص نیت و پاس شان و در نیت حضرت امام علیه السلام در اول  
و در صبح قبری که بقیه مکلن بانها سر که از اساس ساطنت است از تارک مبارک  
برداشتند بر سر پیش در آستان حضرت خدیف تقدیم فرمودند و اکنون  
همان بقیه انجمنی مظهر نیت و لبست و خود با فایه ساده چون سایر زیارتی در دنیا  
ادب و عریست و کمال خضوع و خشوع از سخن شریفه گذشته در اعلان و ضمه  
منور شدند و چون بهنده مبارک را که تاج تارک آسمان بگذرد بود و بجاک است

این قبایح شتم مشرف ما نمشد چنان حالت و رقیمی بوجود میارک دست او  
 که قلم از تحریر و تو خیف آن عاجز است چنانکه خود حضرت شامی روزی  
 مخصوص بمایونی که بدست خط شریف مرقوم فرموده میفرمایند  
 بعد از برداشتن حقیقه و تقدیم آن داخل صحن  
 شدیم یعنی داخل بهشت گشتیم از آنجا صحن  
 بصحن اطاق باطاق تا برواق و روضه مطهره  
 مشرف شدیم حالتی روی داد که بوصف نمی آید  
 خداوند انشاء الله نصیب همه مسلمانان  
 ازین حکایت خسروانند که مخصوص یادداشت نمود مرقوم فرموده اند  
 میشود که زیارت حضرت امام تا چه اندازه در وجود بجا یون ظل الهی تاثیر نمود  
 بالاخره چون لوازم زیارت و دعا با تمام آمد سرکار شامی به تفریح مسجد  
 گوهر شاد تشریف برده و بسمت مقبره مرحوم مغفور و بعد بمسجد و خطاب  
 شاه آمده و فاتحه خوانده از در بالا خیابان بیرون آمد و سوار شد بر عیال  
 و از کان چاکران درباری پیاده ملازم رکاب حضرت شامی شد







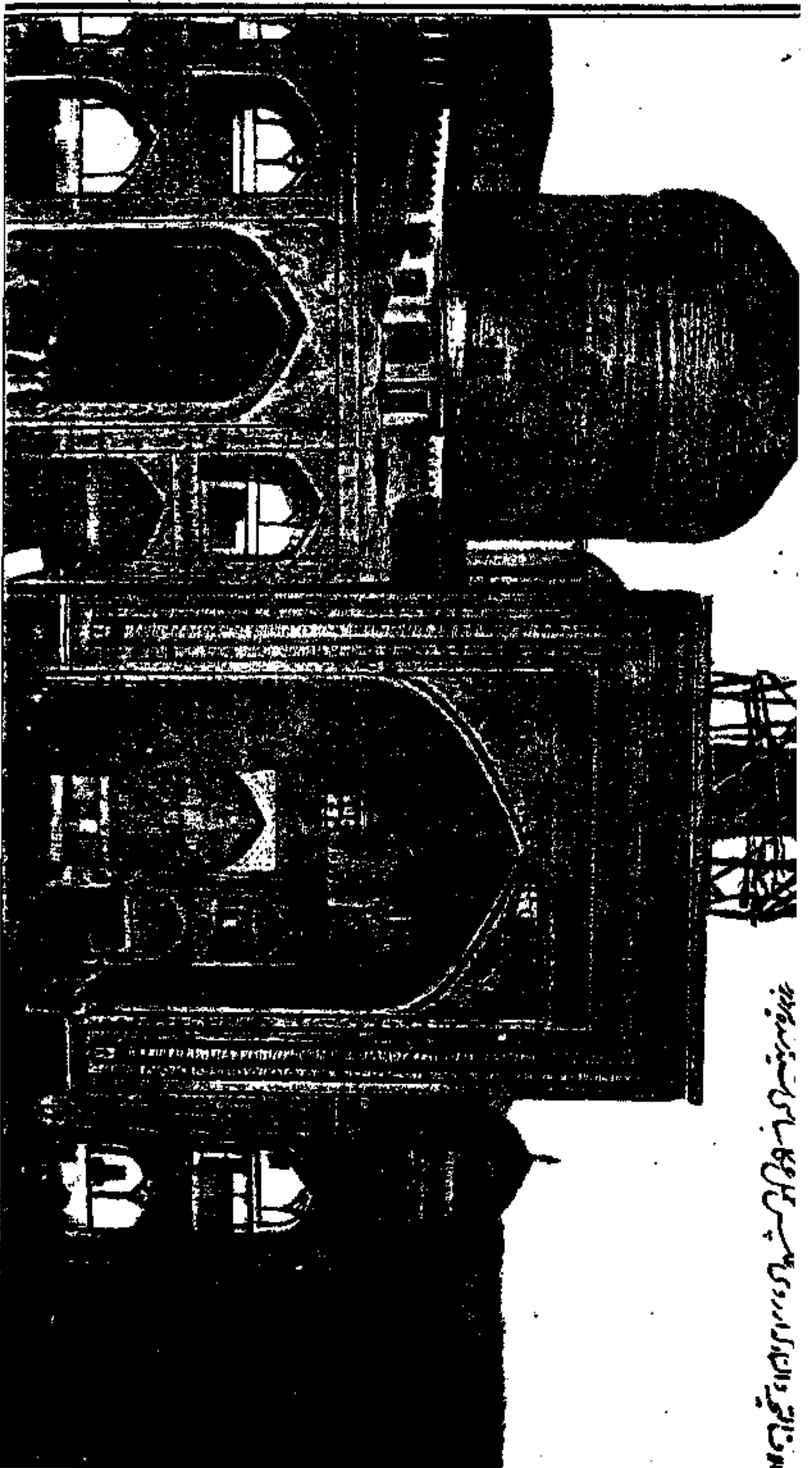
زبانهاست محاذ سرب کشتی بیاری و اقبال برک همایونی تشریف رود  
ازانی و شهنشاد حاجی قاسم و تاج محمد زنی و حاجی جبار با هم بر تیزی که از اعظم  
متوقف شدند با تمام متجاریان از سربارک که داد و بخش ماریت مخصوص همایونی  
شاهنشاهی زین و دست شاهان می کشیدند همیشه کشته بدعای وجود مبارک  
و قیام نموده بود و توجهات شاهنشاهی و آردوی کیوان پوی و خواجه  
ارک در کمال خشم و آهستگی متوقف بسکون گشت و زاری و اعیان در داخل  
شهر منزل گرفتند و فرخ خان بنامین الدوله از برای متساق و امانت مراد و  
بجواب امر قدر در سپهر شکر مسکن گزید و آت و آلامهاست همایونی  
در خوشخانه عمارت استراحت فرمود و تا هنگام غروب مشغول صلوات  
و جواب عرایض بنیاست و فی نهایت شد و بجز مخانه نیست که  
تشریف فرما گشته

از طریق مشرف کیم است و از طرف راه از دور قرار و مزایع  
متعدده نمایان است و آن در نزدیکی جاده بزرگ با نام جبهه معلوم که بمهرنگی  
شهر است و کاروانسرای با با قدرت که در جوار شهر واقع است و قافلخانه

شهر مشهد که امروز از زمین بقعه منوره مبارکه امام ثامن خاندان علی علیه السلام است از شهر  
والشماره شصت و نهم و نیکوترین شهرهای روی زمین است از شهرهای  
بسیار قدیم نیست بلکه بدینیت و اعتبار آبادی آن از زمانی است که قبر منوره  
و روضه مطهر جناب امام علیه السلام در او واقع شده است چه در زمان قبل  
بر آن پامی تخت مملکت خراسان شهر طوس بوده و او چهار فرسنگ با  
مشهد فاصله دارد و این شهر از آن زمان تا کنون نیز مرکز مورد تاخت و تار  
طایفه صنایع تراکه و افغانان و نسبت غارت ایشان شده و بدین سبب آبادی آن  
بمباروه تا خیر فاشاده است درین عصر که از میان تو جهات بمایون خسرو  
از اغلب زمین آباد تراست ششصد و شصت هزار و ششصد خانه و قریب شصت هزار  
سکون دارد از آثار صنایع بنایی و معماری قدیم که در او مشاهده می شود  
منحصر است بصحن مبارکه و مساجد تبرکه و مناره های منوره که انشاء الله تعالی  
تفصیل هر یک مذکور خواهد شد از این ابدیه عالی که شصت و چهار عمارت و بناها  
شهر خندان تعریف و توصیف ندارد و شرح صحن مبارکه و عمارت آن در



دفتر انجمن و انصار کرامت و سید بنوری



مطهره و غیره بدین موجب است

صحنه‌های مبارک

صحن بزرگ که در طرف شمال و پشت سر حضرت واقع است معروف به صحن  
 عقیق نصف آن که در سمت کتب بد طلاست از بناهای امیر علی شیر وزیر  
 سلطان حسین بایقراست و نصف دیگر که سمت ایوان شاه عباسی است بنا  
 به ایساک ابل سنت بوده مرحوم شاه عباس ثانی بر صحن فرود و این صحن را  
 چند در است در می بخیا بان بالا و در می پائین خیا بان در می بیاز  
 بزرگ در می بیاز بزرگان که از اینیه میرزا فضل الله وزیر نظام است  
 در می سمت قتلگاه که بد بیاز آقاچه معروفست حجرات واقعه درین صحن  
 فوقانی و تحتانی است و آنچه از بناهای آن که با هم و رسم است از این قرار است

ایوان طلای نادری که بنامی آن از ایوان شاه عباس مقابل ایوان طلا  
 امیر علی شیر است و طلای آن که کاشی کاری آن نهایت امتیاز دارد

از یاد شاه از این یوان در بار سپید  
 و در می توجید خانه میرود و گوشت نجاش  
 مبارکه درین یوان است و درین این  
 ایوان و پیشکن است یکی کفشکن بالاکه  
 بقافانه و در استیاده میرود و در  
 بکده بسته طلای عباسی دارود  
 کفشکن پاپین مکنده آمد و در می خا  
 که در به و ام بجای کریس رو شده مطهره بوده  
 مدنی شود

و در پشت سه آن محل رسد ملا تاج است  
 که در آن مدرس جز کلدسته طلای  
 نامور حق آثار می باقی نیست تعمیر این  
 کلدسته را بعد از مادرش  
 و والده خاقان خاقان خلد استیاش  
 کرده است

مدرس میرزا جعفر که از بناهای بیست  
 عالیه و در عهد اوزبکیان ساخت  
 شده است و در کتب یوان قبل آن  
 اسم شاه سلطان حسین ضبط است  
 ولی معلوم نیست که مرحوم سلطان حسین  
 بانی این بنا بوده

حجره میرزا حسین  
 وزیر  
 وزارت وزیر نظام  
 و ارا التولیه عضد  
 الملک

کتابخانه



سمت خیابان پاپین بالای درپاپین سخنان و وسط صحن بود سوم بقا خانه طلا که  
خیابان نقاره خانه حضرت است سنگ آب از او عهدا آورده اند  
که مرحوم حاجی قوام الملک تمام حاصل عمارت و طلائی ترا جمعین خان طلائی  
نموده در عهد خان خلد آشیان ساخته است

صحن جدید که صحن مشرقی باشد معروف بصحن خاقان که در پاپین پاپی حضرت  
واقع است و اصل آن از بناهای خاقان خلد آشیان است کاشی کاری آن که  
در کمال اعتبار است از مرحوم حاجی میرزا موسی خان و از ارباب کسان آن  
از مرحوم معزی لیه و قدری از میرزا عبدالباقی منجم باشی و تمام آن از میرزا  
فضل الله وزیر نظام شده جویش وسطی از شمار الیه است و آن صحن را  
چند است در می مقابل ایوان موبوم بدینرا بنامه در خیابان پاپین  
در می بیاز زرگران در می بطرف مقبره مرحوم شیخ بهانی عمارت و  
در صحن علاو در عمارت تجمانی و ذوقانی که محل وطن طلاب است از انقرار است

ایوان طلای مبارک که ناصری اصل بنامی آن

کارخانه و شربتخانه  
سقاخانه کاشی کار

از خاقان مغفور و طلا از ابر حباب شایسته

خدمت  
وسطا از بنای حاج

حاجاه مرحوم میرزا محمد حسین عضد الملک

میرزا محمد رضا

ایام حکومت حاکم سلطنت از منافع ملکی

مستوفی

حضرت فیض آثار ساجده است و ازین ایوان

دری بدر السعاده است و در نسبت بین آن

و کفشکن است که بنحو ایوان مثنی میشود

صحن جنوبی که در مقابل حضرت واقع است مسجد کوهپرشاواست که یکی از

بنایهای بسیار عالی و معروفست فائده کاشیهای معرق و غیر معرق آن که

با چینیهای بسیار ممتاز میتواند برابری کند و بانی این بنای عالی کوهپرشاوا

عروس امیر تیمور کورکان است و درین صحن چهار ایوان و شبستان است

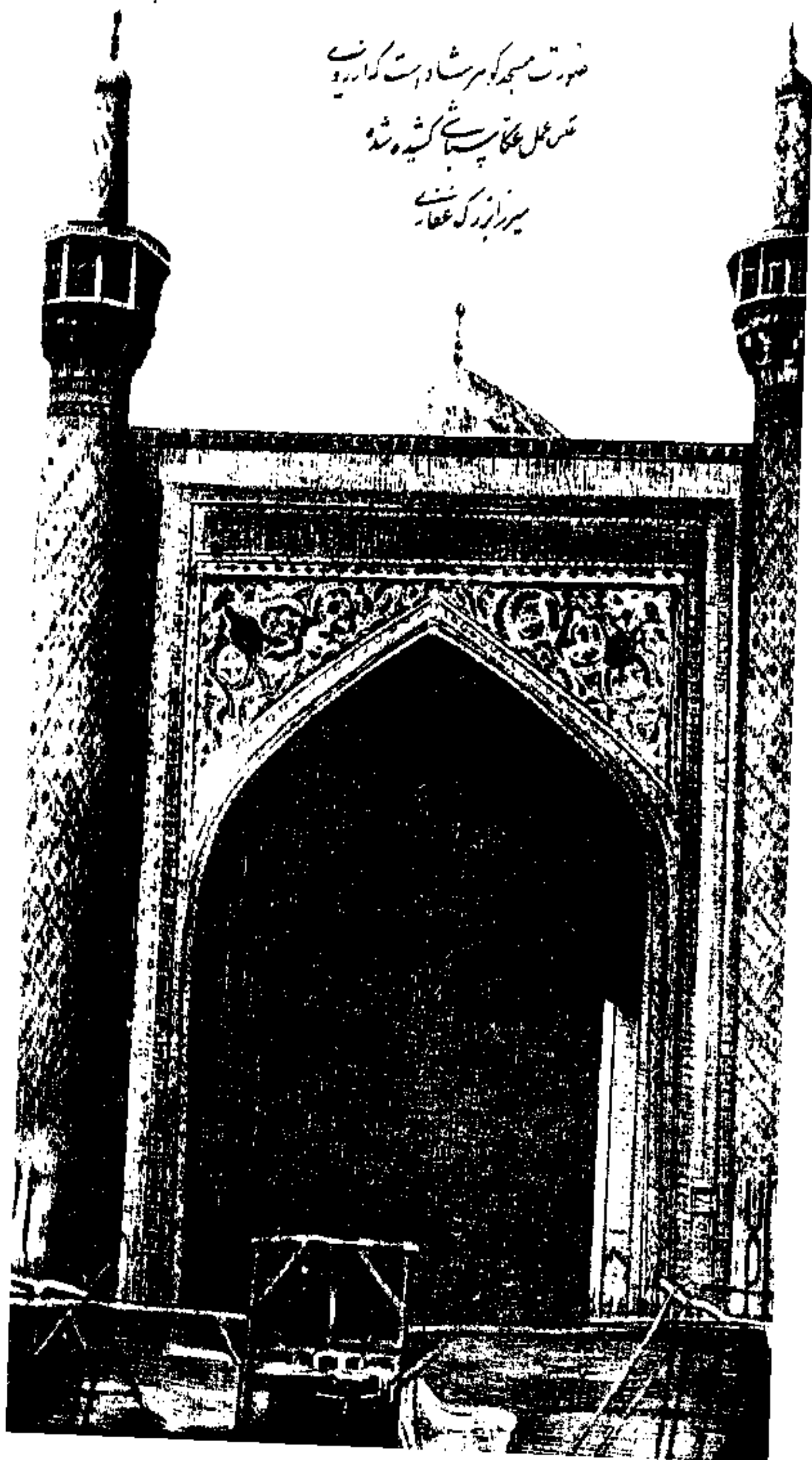
در وبان از این قرار است درمی بیازار بزرگ درمی بچو طه معروفست

پاکه مقبره مرحوم شیخ بهائی است درمی بسیمت خانه حاج میرزا موسی خان

صورت مسجد کبیر شاد است که در یو

عس عمل عکاسی شده

میرزا بزرگ عس





دوری قسلی که بمعبر عام می رود و اساسی یوانها بدین موجب است

ایوان مقصوده با کسب بسیار عالی

و دو کله است نه بلند کاشی و بنه این یوان  
و وارزه ذرع و ارتفاع آن مست و پنج ذرع  
ایوان سمت حضرت  
معروف با یوان  
ایوان شرقی

نیم و طول آن سی و چهار ذرع است

و ارتفاع کسب که در وسط آن واقع است  
چهل و یک ذرع و قطر آن یوان پنج ذرع  
مقابل نهر تارود  
و در جنبین آن  
و کفش آن است

و ارتفاع هر یک از کله است تا چهل و یک

ذرع است و نیز از محسنات این یوان

آنچه از سنده مشقده است که بنام آن

شده الی حال بسبب چه محتاج بتعمیر نشد  
محو و نسبی بمعروف  
بمسجد پیره زن

شبستانها  
اعراف

عمارت رواق مطهر

سمت غربی که بطول واقع شده	سمت شرقی و اربعه است که از بناها
دار استیاده است که از نیمه می مسجد کوهر	اصف ابدول است پائین پامی حشر
و از نیمه می بقا خانه و ایوان طلای نادر	واقع است بالا آن محوط پائین است و
مشی شود از بناهای کوهر شاد است	پائین آن ایوان طلای نادر

سمت شمالی توحید خانه	میانه غرب و شمال بقا خانور راه و
	کله سته طلای شاد عباسی است

سمت جنوبی و اربعه که سمت	میانه شمال شرقی کتاخانه حضرت و
بالای آن حرم مطهر است سمت پائین	اندویردینجان است این کتب بدوی است
ایوان مسجد کوهر شاد این بناهای عالی	که سابق گریاس حرم مطهر بوده از بنیانه
نیز از کوهر شاد است و آئینه کار	اندویردینجان بیکر مکی فارسی است که
آنرا نواب حسام السلطنه در زمان صفویه ساخته شده و کاشی کار	
کرده است	آن در کمال ایتنازی است

میان مشرق و جنوب در سه علی بن قتیبه سمت میان جنوب و مغرب  
 که در او میرزا علی خرمای استوفی همانجا استخوانی مسقولات و سحر بلخانی  
 محقق با حاشیه است در حقیقت این مدرک فراموشان که در هر دو از دارالحفاظ  
 حال بیاطشکنی است در بلوی آن است  
 شیکانی زنده ام و قدوه خانه و راه رو کتک کنی  
 معروف کنب بدو پکت میرزا و خزان میرزا  
 که در آن از دارالحفاظ است

حرم مطهر حضرت امام هشتم علی بن موسی الرضا علیه آلاف التحية والثناء  
 محلی است مربع که در وسط انعامی آن ضریح منور حضرت امام علیه السلام است  
 چهار دیوار این بنای عالی مقدار از قرمز معروف از بناهای سنگ است  
 که یازده روزی ازین زمین بهشت آمین عبور کرده و واقعه خارق عادی مشابه  
 فرموده سبب آنرا از برهنی دانایان جويا کشته از اخبار معلوم نموده که درین مکان

مدفن یکی از اولاد خاتم پنجم بران خواهد شد پس نذری بنحاطر گذرانده و  
 بعد از وصول بمطلب چهار دیواری محکم در آن محفل برپا نموده که تاکنون بهمان  
 اسم باقی است تا رون در زمان خلافت که غالبان خراسان و ماوراء  
 مقر سلطنت میداشت و مرده سرخس دارا سخلافه بود هوای طوکس را  
 ملائم حالت و مناسب قامت ید در روزی از طوکس بان محل رفیع آمده  
 و این بنامی منبوع را مشاهده نموده از تحقیقت آن جويا گشته حکایت کرده  
 بزمیند گفت ای یک منم آن شخص که از خانواده رسالت و خلیفه پنجم بر اعم  
 و این مکان از برای مدفن من معین شده پس امر نمود که بر آن چهار دیوار کعبه  
 عالی بنا کردند چون بعالم دیگر رفت جسم او را درین محل دفن نمودند از آن  
 پس در زمان خلافت مامون روح پاک و کوهر تابناک امام علیه السلام در قریه  
 سناباد که بنور بعضی از محلات شهر مشهد بآب آن قنات مشروب است  
 بعالم قدس و مرکز اصحابی با شارت مامون ارشید جسد مطهر را درین کعبه  
 بجائی که بالای سر بارون است بنجاک سپردند و غبار آن مکان را توتیای دیده  
 رضوان کردند چون بقبر بارون در وسط واقع بود لا بد ایستی مرقد مطهر منور

این کعبه در سنه ۳۰۰ هجری قمری بنا شد و در آنجا جسد مطهر امام علیه السلام مدفون است  
 و در زمان خلافت مامون روح پاک و کوهر تابناک امام علیه السلام در قریه  
 سناباد که بنور بعضی از محلات شهر مشهد بآب آن قنات مشروب است  
 بعالم قدس و مرکز اصحابی با شارت مامون ارشید جسد مطهر را درین کعبه  
 بجائی که بالای سر بارون است بنجاک سپردند و غبار آن مکان را توتیای دیده  
 رضوان کردند چون بقبر بارون در وسط واقع بود لا بد ایستی مرقد مطهر منور



بالا تر از آن باشد پس حسنه و ق مبارک بقسمی واقع شد که وسعت سمت آن هر  
 بسیار کم و نزدیک بود و اگر کثرت مرجم مغفور شاه و عباس صفوی رحمه الله علیه  
 این کتب مطهر را عطا نموده و داخل کتب مبارک را در عهد شاهنشاهی و صحابه  
 پناه و میرزا صادق قائم مقام آینه کاری کرده است کاشی از این کتب  
 که سر کوب چینی مغفور است و در قسم ما حاشی شده و قسمی دیگر که خطوط  
 و اسلیمی چسبند و اردو بتوان دعوی کرد که تا امر و چینی باین صفا و حسن  
 وقت نشده است و گذشته می رسد سفید است که با خطوط طلا بایست  
 و احادیث رین یا همه آنچه تحقیق پیوست نمیده این کاشی علی ایضاً  
 که بالفعل در نواحی مشهد موجود است حاصل میشود حرم مطهر از دست  
 سمت پشت سر و دیگری سمت بالا سرد و فضای شاه نشین مانده است  
 که اولی مسجد زنانه و ثانی را که مرجم محمد ولی میرزا ساخته است مسجد ایشان  
 موسوم و معروفست و از این دو مسجد یکدیگر را بی است که آینه کاری از قبیل  
 میرنجه سپیان نموده اکنون محل نشستن قرا کلام است ضریح مطهره مریم  
 طولانی است سطح آن از ششهای بلور مغروش است و او را سه ضریح است